

جنبه های سیاسی و دیپلماسی

مسئله هرات و افغانستان

(در دوره قاجاریه تا معاهده پاریس)

دوره قاجاریه از شکفتن انگیز
ترین ادوار تاریخ ایران است .
دوره ای است که قدرتهای بزرگ
جهان از اقصی نقاط دنیا بمثل
گوناگون چشم بآن دوخته
داشتند . ایران مرکزی شده بود
که تمام قدرتها دور آن دایره
زده بودند . دایره ای بی ثبات و
ناآرام که هر گوشه اش میل به
درون داشت ، بمبارت روشن تر
کشورما که بگفته «تسر» هیر -
بدان هیر بدار و شیر روزی «محسود
اهل جهان بود و فرمانفرمای هفت
اقلیم تا اگر یک ایرانی کردهفت
کشور بر آمدی هیچ آفریننده را
از بیم شاهان ایران زهره نبود که
نظر بی احترام بر او افکند ،
بصورت طعمه ای درآمده بود که

بضم

عبدالکریم

(دکتر در تاریخ - استاد دانشگاه)

کرکسان هزاره‌زار گرداورافرو گرفته بودند و بر سر استفاده از موقع جغرافیائی و منابع طبیعی آن بریکدیگر منقار میزدند، تا سرانجام هر یک قطعه‌ای را بودند و آنچه که برای ما باقی ماند منحصر بیک نوار کوهستانی شد در حاشیه کویر مرکزی.

متأسفانه فصل مربوط بتاریخ قاجاریه هنوز بطور کامل بررسی نشده و این فصل که بدون تردید پر دامنه‌ترین و مفصل‌ترین فصول تاریخ ایران و عبرت-انگیزترین و پندآموزترین فصول تاریخ جهان است، هنوز ناشناخته مانده است و یکی از انگیزه‌هایی که مطالعات محدود مرا منحصر بتاریخ قاجاریه ساخته همین است.

باری، در کتاب تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران که جلد اول آن چند سال قبل بزبور طبع درآمد شمه‌ای در باب روابط ایران و روسیه در سالهای پادشاهی آغا محمدخان قاجار و فتح‌علیشاه و حوادثیکه بخصوص در ولایات شمالغربی ایران یعنی قفقاز رخ داده است بیان شده، اینک بر آن شدم که اگر توفیق حاصل گردد بحوادثی که در ناحیه شرق ایران یعنی سرزمین هرات و افغانستان و بلوچستان رخ داده بپردازم و بصورت مقالاتی بی درپی بحضور هموطنان تقدیم دارم، آنگاه یکجا و در یک کتاب منتشر کنم و چون عظیم‌ترین و مهم‌ترین حادثه مشرق جدا شدن خاک هرات و افغانستان از ایران است، ابتدا بیان می‌پردازم.

همچنانکه خوانندگان گرامی میدانند پس از قتل نادر سرداران او که بیش از بیست سال در رکاب او جنگیده بودند و فن کشورگشائی را یاد گرفته بودند هر یک بگوشه‌ای رفتند و برای خود بساط حکومت چیدند. در میان این سرداران نامجو، موفق‌تر از همه «احمدخان ابدالی» بود که بسمت قندهار رفت و برای خود حکومتی ترتیب داد. احمدخان علاوه بر اینکه خود سردار لایقی بود اوضاع زمان نیز با مساعدت کرد زیرا پس از آنکه کریمخان زند بر سایر سردارانی که مدعی پادشاهی بودند پیروز شد پیاس حقوق نادر را نگه داشت و متعرض «شاهرخ» نوه او که حکومت مشرق ایران را داشت نشد شاهرخ

نیز شاهزاده‌ای ناتوان و بی‌اراده بود و نتوانست بحکومت خود سر و سامانی دهد مضافاً باینکه کور شده بود و حوصله انجام اقدامات حاد و مهم نداشت . بنابراین احمد خان با فراغ خاطر و بی‌آنکه قدرتی مزاحم او گردد میدان‌را برای خود بازدید و سرزمینهای وسیعی را از ایران و هندوستان در حوزه حکمرانی خود درآورد . باینکه احمدخان ابدالی هیچگاه درصدد نبود که افغانستان را از ایران جدا سازد اما عملیاتی که در دوره حکومت خود انجام داد، مقدمه جدائی افغانستان از ایران شد . پس از آنکه آغا محمد خان روی کار آمد در سال آخر عمر بقصد سر و سامان دادن بولایات شرقی ایران عازم خراسان شد اما لشکر کشی ناگهانی «کاترین» ملکه روسیه او را از اجرای نقشه‌اش بازداشت و برای مقابله باروسها عازم قفقاز شد .

فتحعلیشاه نیز تقریباً در تمام دوره سلطنت گرفتار روسها بود و جز اقدامات ناچیز و بی‌اثر و چند لشکر کشی که بتحریر نمایندگان سیاسی انگلستان برای مشغول ساختن افغانه و جلوگیری از تاخت و تاز آنان به ولایات شمالی هندوستان صورت گرفت کار مهمی انجام نداد. تنها در سالهای آخر عمر که از گرفتاری روسها فراغتی حاصل کرده بود عباس میرزا را مأمور رسیدگی باوضاع مشرق و سر و سامان دادن با امور آن نواحی نمود و چون در کتاب تاریخ سیاسی و دیپلوماسی ایران جلد اول در مورد مسائل مربوط به مشرق ایران در زمان فتحعلیشاه فی‌الجمله بحث کرده‌ایم از تکرار مطالب خودداری میکنیم و دنباله مطلب را از آغاز پادشاهی محمد شاه میگیریم .

محمد شاه و هرات :

پیش از آنکه قضایای هرات را در زمان سلطنت محمد شاه شرح دهیم لازم است مختصر اشاره‌ای بسیاست آسیائی دولتهای انگلستان و روس بنمائیم تا سهولت بعلم مخالفت دولت انگلستان نسبت با اقدامات دولت ایران در هرات و افغانستان پی ببریم

در اوایل سلطنت محمد شاه سیاست این دو دولت در کشور ما مشخص و معین می‌باشد زیرا حرکت دائمی روسها بسمت هندوستان و جلوگیری

انگلیسیها از نزدیک شدن آنان بسرحدات هندوستان در این هنگام به اوج شدت رسیده و عکس العمل این دوسیاست در ایران بخوبی نمایان میباشد.

پیشرفت روسها در ناحیه ترکستان و بخارا و بسط نفوذ روز افزون آنان در ایران پس از انعقاد معاهده ترکمانچای سیاستمداران انگلیسی را به وحشت انداخته بود. - بخصوص که زعمای انگلستان متوجه شده بودند که محمد شاه و عمال دولت ایران برای جبران شکست از روسها توجه خود را بسمت مشرق ایران و افغانستان معطوف ساخته اند بطوریکه «لرد کرزن» در جلد دوم کتاب خود راجع بسروابط سیاسی دولت انگلیس با ایران مینویسد: «در سال ۱۸۳۳ ما فوق العاده در اضطراب بودیم که مبادا از حرکت قشون ایران بطرف هرات خطری توجه ما شود.»

سیاستمداران دولت انگلستان از سیاست دولت روسیه تزاری در مشرق ایران فوق العاده مضطرب و متوحش بودند. در این مورد «سرجان کاپیل» در گزارش رسمی خود در ژوئن ۱۸۳۵ (مطابق ماه صفر ۱۳۵۱ هجری قمری) به «لرد پالمستون» خاطر نشان میسازد «که حرکات نظامی و نقشه های دولت روسیه تزاری بمنظور بسط و توسعه نفوذ خود در مشرق ایران - چنانکه در گزارشات قبلی خود مفصلاً شرح داده ام - روز افزون می باشد.»

پس از جنگهای دوره دوم ایران و روس و انعقاد عهدنامه تسرکمانچای در خراسان اغتشاشات مهمی بروز کرد و فتحعلیشاه عباس میرزا نایب السلطنه را مأمور انتظام امور آن سرزمین نمود. عباس میرزا پس از آنکه با اغتشاشات و ناامنی ناحیه خراسان خاتمه داد برای مدت کوتاهی به تهران بازگشت، ضمناً به کامران میرزا حاکم هرات دستور داد بدولت ایران مالیات بپردازد. در برابر پاسخ نامساعدی که از طرف کامران میرزا رسید عباس میرزا مصمم شد هرات را تسخیر نماید و بهمین مناسبت باردیگر عازم خراسان شد و با اینکه یزشکان در بار مسافرت ویرا بعلت کسالت او صلاح نمیدانستند، اندیشه نکرد و روی بخراسان نهاد. در بین راه به فرزند خود محمد میرزا فرمان داد که راه هرات را پیش گیرد و به محاصره آن شهر اقدام نماید و متعاقب آن قائم مقام را با سپاهی

مأمور کمک به محمد میرزا نمود و خود بسمت مشهد کوچ داد. محاصره هرات بطول انجامید و متأسفانه بیماری عباس میرزا در مشهد شدت یافت.
 قائم مقام و محمد میرزا مشغول محاصره هرات بودند که خیر فوت عباس میرزا در مشهد در تاریخ دهم جمادی الثانی ۱۲۴۹ برابر ۲۶ اکتبر ۱۸۳۳ باردوگاه رسید.

قائم مقام پس از شنیدن خیر فوت نایب السلطنه با کامران میرزا صلح کرد و مقرر گردید کامران میرزا هر سال ۱۵ هزار تومان پول نقد و پنجاه طاقه شال کشمیری بدر بار ایران بفرستد و سکه با اسم شاه ایران ضرب نماید و استحکامات «غوریان» را خراب کند.

ولی در نتیجه تغییرات و تحولاتی که در آغاز کار محمد شاه در ایران رخ داد کامران میرزا حاکم هرات علاوه بر اینکه بوعده‌های خود عمل نمود حتی شروع بدست اندازی بنواحی سیستان نیز کرد و اموال سکنه آنجا را بتاراج برد، و هر چه میتواند در نواحی خراسان دست بنخرابی زد. در این مورد «مستتر الیس» نماینده دولت انگلستان در تهران در گزارش شماره ۱۴ مورخ ۴ فوریه ۱۸۳۶ به «ویکونت پالمرستون» رفتار بدتر کمانانرا در ایالات شرقی ایران و باسارت در آوردن ایرانیان را شرح داده خاطر نشان میسازد شاه برای ختم غائله تر کمانان اقدام خواهد کرد؛ ضمناً مستتر الیس بوزارت خارجه انگلستان اطلاع میدهد که اخبار رسیده تأیید میکند شاهزاده کامران نامه های متعددی به رؤسای افغان نوشته و همکاری آنانرا برای مقابله باشاه ایران خواستار شده است؛ در همین گزارش گوشزد میکند که «یار محمد خان» وزیر کامران میرزا مردی است جسور و باذوق و قریحه^۱.

محمد شاه در نتیجه مذاکرات با «سرهانری الیس» نماینده مخصوص انگلستان و «کاپیتان ما کدونالد» که برای تبریک جلوس محمد شاه بتهران آمده بودند و حامل نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۱۸۳۵^۲ «لرد پالمرستون» دایر به

۱- گزارش شماره ۱۴ مورخ ۴ فوریه ۱۸۳۵ مستتر الیس به ویکونت پالمرستون

London. Public Record Office. Foreiny Office

۲- نامه ۲۱ اکتبر ۱۸۳۵ لرد پالمرستون Records Persia Fo. 60 T. 40

تبریک و تهنیت جلوس و تاجگذاری محمد شاه بودند متوجه شده بود که دولت انگلستان با اقدامات و برقراری نفوذ دولت ایران در هرات مخالف است. - از طرفی واضح بود که خود سری های حاکم هرات در نتیجه اقدامات و تحریکات عمال انگلیسی است که برخلاف مواد عهدنامه های منعقد شده با دولت ایران رفتار میکردند.

علاوه بر اینکه مأمورین انگلیسی تمام مساعی خود را برای عقیم گذاردن نقشه های دولت ایران برای لشکر کشی بسمت مشرق بکار می بردند حاکم هرات را نیز از هر حیث پشتیبانی میکردند. چنانکه مستر ایلس نماینده دولت انگلستان در تهران طی نامه مورخ فوریه ۱۸۳۶ شاهزاده کامران میرزای هرات نوشته شد که شده است: «که دولت بریتانیای کبیر مایل است و نفوذ خود را بکار خواهد برد که صلح را در آن ناحیه حفظ کند. دولت بریتانیا بعلت مراد و تجارت با افغانستان همواره آرزو داشته که ارضاع آسمان مرفه و آسوده باشد. من بشما یاد آور میشوم که موقع تبریک جلوس شاه تذکر دادم که بایستی صلح را در قسمت مشرق ایران حفظ کند و از جنگ پرهیز نماید و در این مورد مسئولان ایران بیا وعده داده اند»^۱ چنانکه می بینیم عمال انگلیسی مایل بودند که آرامش در مشرق ایران برقرار باشد و تمام مساعی خود را نیز بکار می بردند که از لشکر کشی محمد شاه بسمت هرات جلو گیری نمایند در صورتیکه خود انگلیسیها معترف بودند که هرات متعلق بایران است و تمام مأموران انگلیسی این نظریه را تأیید مینمودند؛ چنانکه «مستر مک نیل»^۲ وزیر مختار انگلستان در ایران در گزارش مورخ ۲۴ نوامبر ۱۸۳۷ مطابق ۱۶ ذیقعد ۱۲۵۲ خود چنین مینویسد:

«صرف نظر از ادعای دولت ایران راجع به تملک هرات اگر موضوع اختلاف را بین دو دولت مستقل فرض نمائیم اینجانب معتقد است که حق با دولت ایران است و هرات در

۱ - نامه مورخ فوریه ۱۸۳۶ مستر ایلس به کامران میرزا

London. P.R.O..P. Fo. 60 T. 40

M.C. Neill - ۲

اینمورد تقصیر دارد. در موقع مرگ عباس میرزا که شاه فعلی از محاصره هرات دست کشید و مراجعت نمود مذاکرات طرفین بمقتد قرارداد منتهی شد که خطوط سرحدی در آن تعیین گردید و طرفین نیز تمهد کرده بودند که از حملات خصمانه نسبت بهم دیگر اجتناب نمایند. از آن تاریخ تا کنون دولت ایران بخاک افغانه هیچ دست اندازی نکرده در حالیکه پس از مرگ شاه سابق، حاکم هرات با ترکمن‌ها و ایل هزاره همدست شده و بخاک ایران تجاوز نموده و رعایای آن مملکت را بغلامی برده بودند و افغانه هرات این‌مشی تجاوز کارانه را لاینقطع ادامه میدهند و ایران برای جلوگیری از این دست‌اندازیها بعملیات خصمانه مبادرت نورزیده است مگر این‌که تصمیم اخیر تصرف هرات چنین تلقی شود. بنا براتب فوق شاه در حمله به قلمرو کامران میرزا و بی‌اعتنائی بیادآوری دایر به عدم مبادرت بچنین اقدامی محقق و ناگزیر می‌باشد.^۱

در نتیجه اقدامات و بدرقتهای کامران میرزا و دست اندازیهای وی بنواحی سیستان، محمدشاه تصمیم گرفت به هرات لشکر کشی نماید بطوریکه اقدامات نمایندگان دولت انگلیس برای جلوگیری و ممانعت از تصمیم محمدشاه به نتیجه نرسید؛ زیرا از یکطرف محمدشاه شخصاً مایل بود کار هرات را بکسره نماید از طرف دیگر نمایندگان دولت روس محمدشاه را باین لشکر کشی ترغیب می‌کردند؛ این موضوع از گزارش مورخ ۸ ژوئیه مسترالیس به لرد پالمرستون روشن میگردد، - در این گزارش نماینده بریتانیای کبیر اظهار میدارد که:

۱ - کتاب جنگ ایران و انگلیس تألیف کاپیتان هنت، ص ۸ تا ۹ - ترجمه حسین -

سعادت نوری.

« دولت روسیه و نماینده آن دولت شاه را به قشون کشی بسمت هرات تشجیع میکنند. در گزارشات قبلی راجع به تذکرات خود بدولت ایران برای حفظ صلح نوشتم ولی اصرار روسها بالاخره منجر به جنگ خواهد شد. در آخرین مذاکره که با حضور حاج میرزا آقاسی و میرزا مسعود وزیر خارجه ایران داشتم بآن تذکره اقدام دولت ایران به لشکر کشی افغانستان عدم توجه دولت ایرانرا به عدم تمایل دولت انگلستان نشان خواهد داد. میرزا آقاسی تذکره داد که افغانها در معیت ترکمانان اراضی ایرانرا غارت کرده رعایای ایرانرا باسارت برده اند. اطلاعات رسیده دال بر اینست که میرزا مسعود وزیر خارجه ایران پروژه دولت روسیه را پشتیبانی میکند.»^۱

در تعقیب همین گزارش دوروز بعد یعنی در دهم ژانویه ۱۸۳۶ مستر الیس به لرد پالمستون از طرز رفتار مأموران دولت روس نسبت بانگلیسی ها شکایت کرده اظهار میدارد:

« نفوذ روسها در دربار ایران روز افزون است و بنظر می آید روسها ایرانرا بیک لشکر کشی بطرف شرق تشویق میکنند. منظور روسها از تعقیب این سیاست اینست که «خیوه» را تصرف کنند و توجه ایرانرا بسمت افغانستان معطوف سازند.»^۲

در دنبال همین گزارش در تساریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۳۶ مستر الیس به لرد پالمستون طی گزارش مبسوطی مینویسد:

۱ - گزارش مورخ ۸ ژانویه ۱۸۳۶ مستر الیس به لرد پالمستون
London. P.R.O. P.Fo. 60T. 40

۲ - گزارش مورخ ۱۰ ژانویه ۱۸۳۶ مستر الیس به لرد پالمستون
London.P. R.O. P.Fo. 60T. 40

« من دولت ایران را به معاهده ایران و انگلیس متوجه ساختم و تذکر دادم که این اقدام دولت ایران منافع و امنیت امپراطوری هند انگلیس را بخطر میاندازد و با ولیای ایران اخطار کردم که دولت انگلستان نمیتواند بعملیات لشکر کشی ایران بسمت افغانستان نظاره کند و در نتیجه نفوذ دولت روس بسمت هندوستان توسعه یابد . سفارت مادر تهران در مقابل نفوذ فوق العاده قوی روسها در دربار تهران وضع بدی دارد . »

یکماه بعد یعنی در ۱۵ فوریه ۱۸۳۶ در مورد اقدامات روسها در مشرق ایران مستر ایس در گزارش شماره ۱۸ خود به لرد پالمستون چنین بیان میکند : « در اینجا از نظریات روسها درباره خیوه صحبت میکنند و میگویند برای حفظ تجارت و اتباع روس دولت تزاری روسیه مشغول تهیه استحضامات می باشد . من باید متأسفانه به لرد بگویم که شاه ایران باز از لشکر کشی بسمت هرات صحبت میکند . »^۱

کاپیتان هنت در کتاب جنگ ایران و انگلیس در این مورد چنین مینویسد : « در آن اوان مأمورین انگلیسی جهد داشتند که شاه جوان ایران را به ترتیبی که هست از قشون کشی بهرات منصرف نمایند و سعی کنند قضا یا بوسیله مذاکرات دوستانه حل و تصفیه شود ولی « کنت سیمونیچ »^۲ وزیر مختار روس بیادشاه ایران توصیه کرد که تسخیر هرات که فعلا با ده هزار نفر مرد جنگی امکان پذیر می باشد بطور قطع بعدها با چندین برابر این عده هم ممکن الحصول نخواهد بود . اسناد پارلمانی که حاوی نکات مهمی راجع به دیپلوماسی روسیه است حرکات عجیب و غریب دولت روس

۱ - گزارش مورخ ۱۰ فوریه ۱۸۳۶ مستر ایس به لرد پالمستون

London. P.R.O. Fo. 60 T. 40

Conte Simonitch - ۲

ز ابخوبی روشن میسازد. اجمالا اقدامات «کنت سیمونیچ»^۱ بقدری برخلاف مواعید دولت روس بود که لرد پالمستون بالاخره در ۱۸۳۷ (۱۲۵۲ ه. ق.) به «اورل اودرهام»^۲ وزیر مختار بریتانیا مقیم «سن پترز بورگ» نوشت و بمشارالیه دستور داد که اقدامات خلاف «کنت سیمونیچ» را بدولت روس خاطر نشان سازد. وزیر مختار بریتانیا برطبق دستور با دولت مشارالیه وارد مذاکره شد و «کنت نسلرود»^۳ در جواب اظهار داشت معلوم میشود بعضی حوادث موجبات سوء تفاهم برای «کنت سیمونیچ» فراهم کرده والا بمشارالیه دستور صادر شده است که شاه را در موقع ونسبت بهر موضوعی از جنگ منصرف نماید. ولی با این وصف نه فقط «سیمونیچ» شاه را به تسخیر هرات تشویق وترغیب مینمود بلکه حاضر شد که خود نیز شخصاً در بعضی از خدمات نظامی شرکت نماید.^۴

در این مورد مستر الیس در گزارش شماره ۳۵ مورخ ۱۶ آوریل ۱۸۳۶ به لرد پالمستون چنین مینویسد: «اطلاعات رسیده مشعر بر اینست که همکاری نزدیک بین روسیه و ایران در قضایای هرات موجود است. از طرف حاج میرزا آقاسی اطلاع داده شده روسها وعده داده اند در لشکر کنشی هرات همکاری کرده و کمک مستقیم یا غیر مستقیم نظامی خواهند نمود.»^۴

در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۸۳۶ طی نامه ای لرد پالمستون «ماک نیل» را از طرف پادشاه انگلستان مأمور دربار ایران نمود^۵ و در تاریخ ۱۲۵۳ حاج میرزا آقاسی ضمن نامه ای تمیین مستر ماک نیل را بعنوان وزیر مختار انگلستان

۱ - Eurlie Uderham

۲ - Conte Nesselroode

۳ - کتاب جنگ ایران و انگلیس ص ۶-۷ ترجمه حسین سعادت نوری

۴ - گزارش شماره ۳۵ مورخ ۱۶ آوریل مستر الیس به لرد پالمستون

London. P. R. O. P. Fo. 60 T. 40

۵ - نامه مورخ ۲۳ فوریه لرد پالمستون London. P. R. O. P. Fo. 60 T. 42

در تهران به مسترالیس اطلاع داده و وی را از ورود ژنرال «لندزی»^۱ باخبر کرده است.^۲

تلاش و کوشش نمایندگان دولت بریتانیای کبیر برای ممانعت از اجرای نقشه محمدشاه به نتیجه نرسید، این بود که برای منصرف نمودن شاه از قشون کشی به هرات و متوجه ساختن افکار زمام داران دولت ایران بمسائل دیگر، درصدد ایجاد شورش و انقلاب در داخله ایران برآمدند و به تحریکاتی در نقاط مختلف ایران دست زدند: شورش «آقاخان محلاتی» را در کرمان، غوغای کتک خوردن «سید هندی» در بوشهر، قتل و غارت ایرانیان را بدست عثمانیها در محرمه و آزار زوار ایرانی را در ماکن متبر که دامن زدند و برای فیصله دادن باختلاف و حل مسئله «غوریان» بطور دوستانه و اجتناب از جنگ، «فتح محمدخان» از طرف کامران میرزا بتهران آمد و با حضور ملک نیل پیشنهاد نمود قراردادی به مضمون زیر به اعضاء برسد:

۱- حاکم هرات تعهد میکند که حملات خصمانه و دست اندازی بخاک ایران را ترک گفته رعایای ایران را باسیری نگرفته و نفروشد.

۲- اگر شاهنشاه ایران قصد حمله بترکستان داشته باشد و از کامران شاه استمداد نماید مشارالیه تعهد میشود بقدر مقدور عده ای را به کمک بفرستد و آنها را برای حمله به ترکستان در اختیار والی خراسان گذارد و اگر برای فرستادن باذربایجان نیز مورد احتیاج باشد کامران شاه رضا میدهد که آن عده بسرحدات آذربایجان گسیل شوند.

۳- کامران شاه تعهد می کند که مبلغی پول بعنوان خراج

۱ - Lindsay

۲ - نامه مورخ ۱۲۵۲ حاج میرزا آقاسی به مسترالیس

سالیانه در عید نوروز به پادشاه ایران پیشکش کند .
 ۴ - حمایت تجاری را که بهرات و توابع میروند باحسن وجه تمهد نماید .

۵ - یکی از بستگان بلافصل کامران شاه و یکی از منسوبین نزدیک یار محمدخان و شیرمحمدخان برای مدت دو سال بطور گروگان در مشهد اقامت گزینند و پس از انقضای آن مدت اگر امرای هرات تمهد خود را اجرا نموده و نقض عهد نکرده باشند اشخاص فوق بهرات باز فرستاده شوند و در هر صورت بیش از دو سال در مشهد مجبور بتوقف نباشند و اگر یکی از تمهدات هرات نقض گردید و موقوف الاجرا ماند آن اشخاص را تا حین انجام تمهدات مزبور توقیف نمایند .

۶ - يك نفر و کیل از طرف کامران شاه در دربار شاهنشاه ایران اقامت نماید .

و اجرای تمهدات فوق از طرف کامران شاه منوط با اجرای تمهدات ذیل از طرف ایران میباشد:

۱ - شاهنشاه ایران کامران شاه را مثل برادر خود دانسته با او بطور احترام رفتار نماید .

۲ - حکام و مأمورین دولت ایران در موضوع جانشین کامران شاه بوجه من الوجوه مداخله ننمایند و مقابل هر يك از اعقاب و فرزندان وی که بجای او تعیین شود تمهدات فوق را اجرا کنند . شاهنشاه ایران نیز این تمهدات را معتبر بشناسد و بدون تغییر انجام نماید .

۳ - شاهنشاه ایران به مستملکات کامران شاه سپاهی نفرستد و از جنگ و دست اندازی و باسیر گرفتن اتباع او خودداری نماید و مأمورین شاهنشاهی نیز در امور داخلی

هرات مداخلاتی نکنند بلکه موجبات انجام تعهدات شاه کامران را فراهم نمایند.

۴ - دولت انگلیس واسطه و شاهد بین طرفین تعهدات خواهد بود تا هر گاه هر یک از طرفین تعهدات خود را نقض نمایند طرف متخلف را با اجرای تعهد خود وادار نماید.^۱

نمایندگان ایران پس از آنکه از مفاد پیشنهاد نموده هرات اطلاع حاصل نمودند مبهور و متعجب شدند زیرا با امضاء چنین قراردادی دولت ایران در واقع تجزیه و استقلال هرات را قبول میکرد و در نتیجه تمام اقدامات نمایندگان دولت روس بی نتیجه می ماند و بازی بنفع دولت انگلستان خاتمه می یافت. ولی نظریه نفوذی که دولت روس در دربار محمد شاه داشت ب فکر افتاد از امضای چنین قراردادی جلو گیری بعمل آورد. ماک نیل در گزارش مورخ ۳۰ دسامبر ۱۸۳۶ به لرد پالمستون درباره اقدامات سفیر روسیه مینویسد:

«چند روز قبل نخست وزیر در برابر بیش از ۲۰ نفر که یکی از آنان مطلب را بمن رسانید اظهار داشته که وزیر مختار روسیه تمام وسایلی را که در اختیار و قدرت داشته بکار برده است برای اینکه شاه را تحریک کرده و برای رفتن امسال بهرات وادار نماید. سیمونیچ بزعمای دولت ایران گوشزد کرده است که اگر از این فرصت استفاده ننمایند دولت بریتانیا تمام وسایل را فراهم خواهد کرد که از اقدامات ایران جلو گیری نماید.»^۲

پنجاه روز بعد باز ماک نیل ضمن گزارش مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ خود به لرد پالمستون از وضع و رفتار سیمونیچ در دربار ایران شکایت کرده و اظهار میدارد اخذ نتیجه در چنین وضعی بسیار دشوار است و جای تعجب است که دربار سن پترزبورگ تا کنون تعلیمات لازم را بتهران نداده است.^۳

۱ - کتاب جنگ ایران و انگلیس ص ۱۰ - ۱۱ ترجمه فارسی.

۲ - گزارش ۳۰ دسامبر ماک نیل به لرد پالمستون London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 43

۳ - گزارش ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ ماک نیل به لرد پالمستون

London. P.R.O.P. Fo. 60 T 43

ولی بهر صورت وسایل و تحریرات دولت انگلستان و اقدامات نماینده کامران میرزا در اراده محمد شاه خللی وارد نیسورد و بالاخره در تاریخ «نوردهم ربیع الثانی ۱۲۵۳» اعلیحضرت شهریار غازی بجانب هرات و همالک مشرق زمین لشکر کشیده از تهران روانه شدند،^۱ و دردهم اکتبر (۱۰ رجب) «کابیتان ویکوویچ»^۲ باردوی ایران آمد و رسماً اطلاع داد که مأموریت دارد ورود سپاه روس را باسترآباد و اشتراک مساعی آنها را با سپاهیان ایران در تصرف هرات بمرض شاه برساند. در این مورد ماک نیل در گزارش دیگری به لرد پالمستون اطلاع میدهد لشکریان ایران هرات را محاصره کرده اند و «کابیتان ویکوویچ» به عملیات نظامی لشکریان ایران کمک میکند.^۳

«در این اوان مأمورین ایران و روس برای پیشرفت منظور خود باسران و سرکردگان افغانه بدسیسه و مواضع مشغول بودند»^۴. راجع به ورود سپاهیان روس باسترآباد و شرکت آنان در جنگ در کتابها و مدارک ایرانی اشاره‌ای نشده ولی راجع بعلاقه دولت روس به مسئله هرات در «مرآت‌البلدان» چنین مسطور است:

«هم در این اوان توقف اعلیحضرت محمدشاه در بسطام نامه از اعلیحضرت امپراطور روس رسید که عزیمت زیارت اوج کلیسای ایران فرموده و نظر به قربت جوار با مملکت ایران خواهشمند ملاقات اعلیحضرت پادشاهی در آن سرمد شده اند. چون اعلیحضرت محمدشاه عزیمت یورش خراسان داشته حضرت ولیعهد را که نفس نفیس سلطنت بودند از تبریز بملاقات اعلیحضرت امپراطور روس فرموده و محمد طاهر خان و کیل قزوین را از اردو بدار الخلافه فرستاد. بیست طاقه شال افغانی کشمیری اعلی و پنج رشته تسبیح مروارید غلطان و چهارده رأس اسب عربی و ترکمنی مصحوب او ایصال تبریز داشته با محمدخان امیر نظام و حاج ملامحمود نظام‌العلماء معلم حضرت ولیعهدی و

۱ - منتظم ناصری جلد سوم - س ۱۶۷

۲ - Captaine Wicovich

۳ - گزارش آدریل ۱۸۳۷ ماک نیل به لرد پالمستون

London. P.R.O.P. Fo 60 T 43

۴ - کتاب جنگ ایران و انگلیس س ۱۱ و ۱۲

عیسی خان خال آنحضرت و میرزا محمد تقی مستوفی فراهانی و دبیر نظام و میرزا محمد حکیم باشی و سایر ملازمان و خدام آن آستان ملتزم رکاب حضرت ولیمهدی شده عزیمت ایروان فرمودند. ^۱ در این ملاقات که در رجب ۱۲۵۲ برابر با ماه اکتبر ۱۸۳۶ انجام گرفت « نیکلا » تزار روس وعده داد که در قضایای هرات از مساعدت به محمدشاه کوتاهی نخواهد کرد. در این مورد ماکنیل نماینده انگلستان در گزارش شماره ۵۲ مورخ ۱۲ دسامبر خود به لردپالمرستون اطلاع میدهد که «امپراطور روس در ایران بایک نفر از وزرای ایران و نمایندگان که اعزام میشوند ملاقات خواهد کرد.»^۲

در سال ۱۲۵۴ میرزا حسین خان مقدم آجودان باشی از طرف محمدشاه ماوریت یافت که سفارت اطریش و انگلستان و فرانسه رفته و ضمن ملاقات با رؤسای دولت انگلستان در لندن مداخلات ناروا و بدرفتاریهای مستر - ماکنیل را بسمع اولیای دولت بریتانیا برساند. آجودان باشی در ۲۳ جمادی الثانی ۱۲۵۴ مطابق با ۱۳ سپتامبر ۱۸۳۸ از تبریز^۳ اعزام اروپا شد و از راه آسیای صغیر به اطریش و از آنجا به پاریس رفت و پس از ملاقات با سران دولت فرانسه و تقدیم تحف و هدایا به پادشاه فرانسه^۴ چون دولت انگلستان حاضر نشد وی را بعنوان سفیر رسمی بپذیرد مانند یکنفر مسافرعادی بانگلستان حرکت کرد. در این مورد لردپالمرستون طی یادداشت شماره ۱۹ مورخ ۳۱ اوت ۱۸۳۸ به وزارت خارجه انگلستان چنین مینویسد: « شنیده شده است که حسین خان سفیر ایران برای تبریک جلوس ملکه انگلستان می آید. وضع موجود میان دو کشور ایجاب میکند که ملکه نباید این سفیر را بپذیرد. سفیر ایران از طریق استانبول، وین یا پاریس مسافرت خواهد کرد. درباره

۱ - مرآت البلدان جلد اول ص ۵۷۴ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۶۹ - تاریخ نو ص ۲۶

۲ - گزارش شماره ۵۲ مورخ دسامبر ماکنیل به پالمرستون

London. P.R.O.P.R. O.P. Fo. 60 T 48

۳ - ناسخ التواریخ جلد دوم ص ۷۳

۴ - نامه مورخ آوریل ۱۸۳۹ آجودان باشی به پادشاه فرانسه

Paris: Archives du Ministère des Affaires Etrangères danier N. 19 -

P. 23

وی نباید احترامات يك نفر سفیر را بجای آورد .^۱

در تعقیب مسافرت آجودان باشی میرزا مسعود وزیر دول خارجه طی نامه مورخ ۷ ربیع الاول ۱۲۵۵ مطابق با ۲۲ ماه مه ۱۸۳۹ ضمن دادن تعلیمات بآجودان باشی چنین مینویسد : «انگلیسها نمیخواهند باب مراده ودوستی را مفتوح کنند شما جدیت نمایند در هر صورت بلندن مسافرت کنید .^۲

در یادداشت مورخ اول ژوئن ۱۸۳۹ که در آرشیو وزارت خارجه فرانسه مضبوط است از طرف مأموران وزارت خارجه به دوک دالماسی^۳ وزیر خارجه آندولت اطلاع داده شده که «روز دوم ژوئن حسین خان بسمت لندن حرکت میکند بی آنکه سند رسمی داشته باشد»^۴ . در این مورد ناسخ التواریخ چنین مینویسد : «مع القصة چون سفارت حسین خان در دولت انگریز پذیرفته نبود چنانکه مرقوم افتاد احوال و اقبال خود را در پاریس گذاشته مسیو جبرئیل ترجمان خود را برداشته بقانون تماشاخانه راه لندن برگرفت و از پاریس تاسرحد فرانسه که هفتاد و یک فرسنگ است طی مسافت کرده بشهر کالی^۵ درآمد و از آنجا بکشتی تجارتمی نشسته بجزیره دور^۶ که اول خاک انگریز است در رفت و روز دیگر وارد لندن شد . سیر کوراو زلی که سفارت ایران کرده بود او را منزل به نمود و چهل روز اقامت جست و روز بیست و سوم ربیع الثانی شرحی به لار دپالمرستون وزیر دول خارجه نگاشت که مدتی میکند که بانامه دوستانه و هدیه شاهانه از جانب شاهنشاه برای تعزیت

۱ - نامه شماره ۱۹ مورخ ۳۱ اوت ۱۸۳۸ لرد پالمرستون به وزارت امور خارجه انگلستان
London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 48

۲ - نامه مورخ ۷ ربیع الاول ۱۲۵۵ میرزا مسعود وزیر دول خارجه به حسین خان آجودان باشی
London. P.R.O.P. Fo. 60 T. 48

۳ - Duc de Dalmatie

۴ - یادداشت مورخ اول ژوئن وزارت خارجه فرانسه

Paris. A.E.P. dos. N. 19

Caleh - ۵

Douvre - ۶

پادشاه ولیم چهارم^۱ و تهنیت جلوس ملکه انگلستان مأمورم و نیز سورسلوک مستر مکنیل را باید شرح دهم تا ایلیچی دیگر بجای او تعیین شود اکنون که سفارت من پذیرفته نیست، نامه شاهنشاه ایران را تسلیم کردن شایسته نباشد.^۲ قبل از حرکت محمدشاه بهرات انگلیسیها شجاع‌الملک دشمن دیرینه امیر دوست محمدخان امیر کابل را که در هندوستان در حبس میزیست آزاد کرده مورد محبت قرار داده و مقرری برای وی تعیین نمودند. امیر دوست محمدخان از این عمل انگلیسیها ناراحت شده بتصور اینکه خیال دارند شجاع‌الملک را بامارت کابل برگزینند نماینده‌ای بنام حسینعلی خان بخدمت محمدشاه فرستاده و بیادشاه ایران پیشنهاد کرد پیمان اتحادی بر ضد کامران میرزا منعقد نموده و پس از شکست وی قلمروش را بین خود قسمت نمایند. همین هنگام یعنی در سال ۱۲۵۲ فرستاده‌ای نیز بنام عزیز خان از طرف کهن دل خان و شیردل خان برادران دوست محمدخان که در قندهار امارت داشتند بتهران آمد و بنام امرای بارگزانی اتحادی با محمدشاه منعقد ساخت. محمدشاه نیز استقلال امرای مزبور را برسمیت شناخت. در این مورد مستر ماک نیل در گزارش شماره ۱۰ مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ به لرد پالمستون اطلاع میدهد که: «دولت ایران اتحادی با دوست محمدخان منعقد نموده و قرار است وی پر خود را بدربار ایران بفرستد و سه هزار اسب تحویل ایران نماید.»^۳

راجع به آمدن نماینده دوست محمدخان بایران و اتحاد امرای بارگزانی قندهار و نقشه آوردن شجاع‌الملک از هندوستان برای امارت کابل و اعزام قوا از طرف دولت بریتانیا بسواحل جنوبی ایران و اشغال جزیره خارک و سیاست دولت روسیه تزاری در آسیای مرکزی و افغانستان و ایران نامه محرمانه‌ای بتاریخ ۱۴ اکتبر ۱۸۳۸ از مرکز هند شرقی در لندن به فرمانفرمای کسل هندوستان ارسال شده؛ از نظر اهمیت تاریخی که این نامه دارد قسمت‌هایی از آن را در اینجا درج مینمایم. فتوکپی نامه مزبور ضمن همین مقاله منتشر میشود.

۱ - William IV

۲ - ناسخ التواریخ جلد دوم سلطنت محمد شاه ص ۹۷

۳ - نامه شماره ۱۰ مورخ ۲۰ فوریه ۱۸۳۷ ماک نیل به لرد پالمستون

خیلی محرمانه بفرمانفرمای کل هندوستان : از موقعی که موافقت خود را با اعزام قوا از طرف حاکم بمبئی بخلیج فارس اعلام داشتیم از ورود قوا به بوشهر و اشغال جزیره خسارک با خبر شدیم. بطوریکه اطلاع حاصل شد هیچ نوع رضایتی از مسئولان محلی ایرانی برای پیاده شدن قوا تحصیل نشده و هیچگونه مقاومتی در برابر آنان بعمل نیامده است. نماینده مقیم مادر بوشهر انتظار داشت حمله ای به قرارگاه مرکزی قوا بشود ولی این حمله بوقوع نییوسته و معلوم میشود اصلاً پیش بینی هم نشده بود .

با وجود این میتوان حدس زد که مأموران ایرانی اشغال سرزمینشان را بوسیله قوای بیگانه بدون نگرانی نظاره نخواهند کرد، و یالا اقل شاه سیاست خود را با اطلاع از پیاده شدن قوا تغییر داده و تقاضاهای نماینده انگلستان را قبول خواهد کرد والا برای اخراج قوا از خسارک و یا مصانمت از پیاده شدن نیرو در طول ساحل حتماً اقدامی بعمل خواهد آورد .

ما تأیید میکنیم که اعزام قوا بما فرصتی میدهد که بشاه بفهمانیم نفع واقعی وی کجاست و لسی ضمناً پوشیده نماند که اگر بدست آوردن نتیجه طولانی باشد قوای انگلستان متناسب با اجرای عملیات قطعی تر در ایالات جنوبی نخواهد بود . ما از این متعجب نیستیم از وقتی که ماک نیل اردوی شاه را ترك گفته اعزام قوایی را بیشتر از آنکه فعلاً در خسارک متمرکز است بشما توصیه کرده است .

انتخاب این تصمیم از طرف ماک نیل برای این بوده است که اگر هیئت های اعزامی شما در کابل و قندهار با شکست

مواجه گردند ممکن است وعده کمک‌هاییکه از طرف کنت سیمونویچ سفیر روس بشاه داده شده چنان اطمینانی برای توفیق در فتح افغانستان بوی بدهد که بورود قوای بریتانیا در خارك و قمی نهد. این قوا بطور وضوح برای يك اقدام مهم غیر کافوست و بادر نظر گرفتن تمام این ملاحظات است که سناك نیل مجبور شده است اعزام پنج هزار نفر را به بوشهر که نصف آن انگلیسی باشد تقاضا نماید و احتمال دارد قبل از رسیدن این نامه بشما اقدامات لازم در این زمینه بعمل آمده است. واضح است بایباده شدن چنین قوایی در کسرانه‌های ایران شاه بناچار بانیروی نظامی مقابله خواهد کرد و از همین موقع جنگ عملا میان دو دولت آغاز خواهد شد. اگر قوای مادر داخل مملکت پیشروی کنند احتمالاً تعداد کثیری از اهالی بآنان خواهند پیوست و اگر شاه بخواند در مقابل پیشروی آنان مقاومت کند با اشکالات زیادی مواجه خواهد شد که ممکن است حتی پایتخت را تهدید کند. این اقدام و پیشروی که در ظاهر برای خلع شاه از سلطنت خواهد بود، شاه را مجبور خواهد کرد از تنها قدرتی که بتواند چنین وضعی را نجات دهد کمک بخواند و قطعی است که روسها نخواهند توانست ازدادن کمک به متحد خود استنکاف ورزند.

حتی اگر يك جنبش انقلابی هم قبل از رسیدن متحدین، شاه را از سلطنت خلع کند روسها به پیشروی خود در ایالات شمالی ادامه داده و از چنین هرج و مرجی که ایجاد شده استفاده خواهند کرد. طبیعتاً از طرف دیگر اختلافی میان دو دولت روس و انگلیس ایجاد خواهد شد و بسا این وضع جنگ بکلی جنبه دیگری بخود خواهد کسرفت و يك جنگ ایلاتی آسیای مرکزی بیک جنگ

دول معظم دنیای متمدن مبدل خواهد شد.

با اینکه هیچگونه نگرانی بعاقبت چنین جنگی نیست، ما ترجیح میدهیم در يك وضع نامساعد از شروع جنگ اجتناب کنیم بنابراین بنظر ما اشغال جنوب ایران از طرف قوای بریتانیا راه حل خوبی نیست. اگر نقشه ما ایجاد شورشی در جنوب ایران بنفع يك مدعی تاج و تخت بود امکان داشت قوای پیشنهادی مالك نیل کافی باشد.

ولی شاه با اینکه بد راهنمایی میشود و بظاهر در این موقع مخالف با منافع انگلستان است وی با کمک و همکاری دو اتین انگلیس و روس بسطنت رسیده و سلطنت وی بایک قرارداد ضمنی تضمین شده که حتی رفتار ناپسند وی اجازه لغو آن قرارداد را نمیدهد. معاهدات ما با ایران حاوی مواد خاص مربوط بامنیت هندوستان است. شاه باید امتیازاتی را که ما برای مقاومت در مقابل حمله بسرحدات هند بوی وعده داده ایم جبران کند.

شاه فعلی ایران بما نشان داد که وی نه تنها به تمهیدات خود احترام نمی گذارد، حتی باز کردن راهی را بطرف هند بنفع هر دولت مقتدری که ذائقه کشور گشائی او را نوازش میدهد فراهم میآورد. طرز رفتار وی بسا نماینده پادشاه انگلستان و رفتار خصمانه اش بمنزله يك اعلام رسمی دشمنی بالا اقل تصمیم به قطع روابط دوستانه است ولی میان اقدامات و برانگیختن رعایای شاه بر علیه وی تفاوتی است که يك دولت نباید از نظر دور بدارد. ما حاضر نیستیم اقدامی را تأیید کنیم که نتیجه احتمالی آن بما نشان خواهد داد که برای تقسیم امپراطوری خود در يك جنگ داخلی شرکت کردیم.

پنج هزار سر باز انگلیسی که در بوشهر پیاده میشود برای خلع شاه و درهم کوبیدن و متلاش کردن دوات ایران کافیست ولی این رفتار متناسب با منافع و حیثیت ما نیست. بنابراین ما با مفاد گزارشی که رونوشت آن ضمیمه است و از طرف ویکونت پالمرستون وزیر خارجه علیاحضرت ملکه انگلستان فرستاده شده است موافق هستیم. در این نامه شما ملاحظه میکنید که دولت علیاحضرت مایل است که از طرف قوای بریتانیا هیچگونه عملیاتی در ایالات جنوبی ایران انجام نگیرد. پس ما موافقیم اگر اعزام قوا از بمبئی آغاز نشده متوقف بماند و اگر قوا بخلیج فارس رسیده است دستجات قشون بی آنکه قصد پیشروی داشته باشند در ساحل توقف نمایند. این تعلیمات بر اساس قرائن صحیحی که تا کنون برای اطلاع ما رسیده است قرار گرفته ولی اگر شما عواملی در اختیار دارید که ما از آنها بی اطلاع هستیم و میتواند خط مشی جدیدی را توجیه کند بر اساس آن اقدام نمائید و کمکهای لازم را مطابق درك خود برای انجام تمام عملیاتی که لازمست بنمائید.

مامیل نداریم که شما قوا را از خارک خارج کنید مگر در صورتیکه مستر ماک نیل اختلافات خود را با شاه حل کند و تمام درخواستهای وی قبول شود و رضایت کامل حاصل گردد و وی تخلیه جزیره خارک را تعهد کرده باشد. بهر ترتیب بمقیده مسا عاقلانه خواهد بود با ایران بتوافق برسیم که تملك دائمی این جزیره را بساوا گذار کند. این جزیره پناهگاهی برای کشتیهای ما بوده تجارت انگلستان را در خلیج فارس حمایت کرده و رفت و آمد میان هندوستان و انگلستان را تسهیل خواهد کرد؛ شاید بتوانیم جزیره را بخیریم و ما از هیچگونه فداکاری در این زمینه مضایقه نداریم.

با اینکه باخط مشی مالک‌نیل که عبارتست از حمله و اشغال ایالات جنوبی ایران مخالفیم ولی با اتخاذ تدابیر لازم که تاکنون برای تأمین نفوذ و تفوق انگلستان در افغانستان بعمل آمده بانظروی موافقت داریم.

ما بانهایت تأسف اطلاق پیدا کردیم که هیئت اعزامی سرهنگ سر آلکساندر برنز Burnes در کابل با شکست مواجهه شده و همچنین مازور لیچز Leachs که در دربار قندهار نمایندگی داشت مجبور شده است شهر را ترک گوید. چیزی که بیشتر ما را متأثر کرده اینست که يك مأمور روسی را علناً در کابل پذیرفته اند و سرداران قندهار معاهده‌ای با شاه منعقد نموده اند که مطابق آن شاه به برقراری قدرت سرداران درهرات رضایت داده و تحت شرایطی که سفیر روس تعهد کرده اجرای مواد معاهده را تقبل کرده است. پرواضح است که این تعهد خلاف منافع بریتانیا در آسیای مرکزی است و اگر هرات بدست شاه بیفتد ووی آنجا را بسرداران قندهار بدهد این شاهزادگان و همچنین امیر کابل به تحت‌الحمایگی ایران درمیآیند درحالیکه خود شاه در دست روسها برای بکار بردن در فرصت مناسب جهت تهدید مستقیم امپراطوری هند ایزاری بیش نیست.

يك توجه دقیق به حفظ امنیت هند انگلیس بدون اشاره بشهرتی که ما تاکنون در نواحی مجاور سرحدات شمال غربی داشتیم برقرار کردن قدرت و نفوذی را که در این اواخر از دست داده ایم اجتناب ناپذیر میکنند.

ما تاکنون در اختلافات داخلی افغانستان شرکت و دخالت نکردیم و وقتی شاه شجاع الملک اخیراً خواست بتاج و تخت خود دست یابد و بر علیه رئیس فعلی کابل پیشروی

کرد ما بهیچ يك از طرفین کمک نکردیم . اکنون که تنها کوششهای ما برای ایجاد يك اتحاد با دوست محمدخان و برادرانش در قندهار با شکست مواجه شد و حتی این شاهزادگان خود را در اختیار قدرتی قرار میدهند که بهند نزدیک میشود مادرك میکنند که این موضوع متناقض با امنیت مستملکات علیاحضرت ملکه است. بنابراین وظیفه ماست که يك خط مشی سیاسی اتخاذ کنیم که از آن راه کابل و قندهار را در تحت فرمان سلطانی که بمناسبت حق-شناسی و وجود منافع، متحد و فادار بریتانیای کبیر باشد، متحد سازیم .

بنظر ما این شاهزاده شاه شجاع است و ما نظر نماینده خود را در سفدیان که در نامه اول زانویه ۱۸۳۸ به فرمانفرمای هند نوشته تأیید میکنیم. از این نامه چنین برمیآید که برای مستقر کردن شاه شجاع در امارت کابل و قندهار يك کوشش جزئی لازمست . این اقدام بهترین فرصتی است برای آزاد کردن این ناحیه مهم از نفوذ ایران و متحد خائن او. در هر صورت برای جلوگیری از امکان يك شکست بایستی يك کوشش و اقدام قطعی بعمل بیاید و وسایل لازم تهیه شود. بدین منظور باید نیروی فوق العاده قوی متشکل از قوای انگلیسی در سرحدات شمالغربی متمرکز گردد و رئیس پنجاب و امرای سند نیز باید همکاری با شما را قبول کنند .

.....

 اگر شاه هرات را ترك کند و روابط و ستانه با وزیر مختار بریتانیای برقرار کند و بی احترامی را که نسبت به ما مکینیل

بعلل آمده جبران کند اقدامات احتیاطی پیش بینی شده ضرورتی پیدا نخواهد کرد. ولی با وجود این شما باید در بدست آوردن نفوذ مجدد خود در افغانستان تعجیل کنید و روابطی بر روی پایه ای مطمئن تر از آنکه تا کنون داشتید بار و ساری کشور برقرار کنید. ۲۴ اکتبر ۱۸۳۸

امضاء J. L. Lushington

R. a. Jenkins

East . India House

London

London . P. R. O. P. Fo. T. 248/91

کامران میرزا و یار محمدخان به تحکیم برج و باروی هرات پرداخته و بیش از ۲۲ هزار سپاهی در آن شهر تجهیز کردند. پوتینجر^۱ از عمال سیاسی انگلیس بعنوان ساختگی تاجر اسب و سید علوی و پزشک خود را به هرات رساند و با کامران میرزا و یار محمدخان در تعمیر حصار هرات و دفاع از آنجا شرکت جست. در مورد وسایل دفاعی هرات مستر الیس در گزارش شماره ۲۷ مورخ اول آوریل ۱۸۳۶ بوزارت خارجه انگلستان می نویسد: «وسایل دفاعی کامران میرزا اضافه شده ولی دلیلی در دست نیست که تصور شود بتواند در برابر حمله شاه ایران و همکاری رؤسای قندهار مقاومت کند.»^۲

لشکریان ایران ابتدا بمحاصره قلعه غوریان که از دروازه های هرات محسوب میشود پرداختند. دفاع از این قلعه از طرف کامران میرزا به شیر محمدخان برادر یار محمدخان واگذار شده بود. محاصره قلعه سه روز طول کشید و در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۲۵۲ برابر با ۲۴ نوامبر ۱۸۳۶ غوریان فتح شد و «حکیم پادشاهی به هدم بنیان قلعه شده قلعه را از بیخ و بن کننده اردوی همایونی بسمت هرات در حرکت آمد.»^۳

۱ - Pothinger

۲ - گزارش شماره ۲۷ مورخ اول آوریل هانری الیس به لرد پالمرستون .

Lodo. P. R. O. P. Fo. bo. T. 42

۳ - تاریخ نو ص ۲۶۲

اعتماد السلطنه در کتاب مرآت البلدان پس از فتح غوریان چنین مینویسد:
 «توضیح آنکه بعد از وصول خیر فتح غوریان بدار الخلافه نخست جان مکنیل
 صاحب وزیر مختار انگلیس و پس از او وزیر مختار دولت بهیه روس غراف
 سیمونیچ صاحب بهرات رفتند و در حضرت پادشاهی اقامت گزیدند.»^۱
 محاصره هرات ده ماه بطول انجامید زیرا «حاج میرزا آقاسی صدراعظم
 درویش مآب ایران سوء تدبیر بخرج داده و شهر را از سه طرف در محاصره
 نگهداشته بود و برای این کار چنین دلیل میآورد: - اشخاصیکه در محاصره
 ناراضی و ناراحت باشند از شهر خارج میشوند در نتیجه قوای دفاعی شهر از
 بین میرود.»^۲

در مدت محاصره هرات چندین بار کاهران میرزا خواست که تسلیم محمد
 شاه شود ولی از یکطرف نسبت بجان خود اطمینان نداشت از طرف دیگر
 مستر ماک نیل وزیر مختار انگلیس مقیم تهران که باردوی محمد شاه آمده بود
 و متوجه بود که کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه در تحریص شاه بگرفتن هرات
 با فشاری مخصوص دارد، بطور محرمانه بوسیله ایادی خود در هرات از تسلیم
 کاهران میرزا بیادشاه ایران جلو گیری میکرد و میکوشید بهرنحوی که شده
 هرات را از تسلط محمد شاه مصون نگهداشته و از ورود لشکریان ایران بآن
 سامان جلو گیری کند.

عللی که بتوان برای مخالفت دولت بریتانیای کبیر و نمایندگان آن دولت
 برای تسلط ایران بهرات ذکر نمود بقرار زیر است:

۱ - دولت بریتانیای کبیر میدانست تا حدی لشکر کشی ایران بطرف هرات
 از طرف روسها پشتیبانی میشود.

۲ - دولت انگلستان تسوجه داشت که نفوذ دولت روس پس از انعقاد

۱ - منتظم ناصری جلد سوم ص ۱۷۱ .

۲ - تاریخ نوم ۲۶۶ .

معاهده تر کمنهای در دربار ایران فوق‌العاده زیاده‌شده و تمام مواد این عهدنامه
بنتف روسها است و هر گاه دولت ایران بهر عنوانی در هر ناحیه‌ای از افغانستان
یا هرات مستقر شود دولت روس نیز در همان نواحی امتیازات سیاسی و اقتصادی
را که بر طبق معاهدات منعقد شده پس از جنگ دوم ایران و روس در ایران تحصیل
کرده است در این نواحی که سر راه هندوستان است بدست خواهد آورد.

۳ - بالاخره چون دولت ایران حاضر نشده است امتیازاتی را که مطابق
معاهدات تر کمنهای بر روسها داده است با انگلیسها نیز بدهد سیاستمداران دولت
بریتانیای کبیر از اولیای دولت ایران نگران و ناراضی بودند.

در محرم ۱۲۵۴ مطابق با ماه مارس ۱۸۳۸ مستر ماک‌نیل بعنوان اینسکه
واسطه صلح بین کامران میرزا و محمدشاه شود بسا اتفاق مهدیخان قره‌پایاخ از
ساحب منصبان ایران و چهار نفر سوار داخل هرات شد. ماک‌نیل برخلاف وعده
وساطت صلح که داده بود بر عکس کامران میرزا را با پول و وعده به پایداری و
ادامه جنگ تشویق کرد و حتی طرح معاهده‌ای که در آن تمام درخواستهای
محمدشاه از طرف کامران میرزا مورد قبول واقع شده و با اساس اختلاف و اصل
مطلب یعنی تسلیم هرات اشاره‌ای نشده بود باصلاح دید ماک‌نیل بوسیله یار -
محمدخان وزیر کامران میرزا تهیه شد. این معاهده بوسیله سفیر انگلیس در
شب ۲۵ محرم ۱۲۵۴ بحضور محمدشاه تقدیم شد و مورد قبول نگردید.

محاصره هرات که دفاع آن از داخل بوسیله پوتین جر، اداره میشد و از خارج
نیز مستر ماک‌نیل برای شکست و عدم موفقیت لشکر یان ایران از هیچ اقدامی فرو -
گذار نمی کرد، بطول انجامید و وضع محمدشاه روز بروز سخت تر و مشکل تر
میشد و در واقع جنگ بین سیمونینج وزیر مختار روسیه و ماک‌نیل وزیر مختار
انگلیستان جریان داشت. علاوه بر ماک‌نیل سر هنگ استووارت، وابسته نظامی
دولت انگلیس نیز در ایران دائماً در اردوی محمدشاه بود و عجیب تر اینسکه پوتین جر
همیشه بالباس مبدل بار دوی شاه ایران رفت و آمد مینمود و با کلنل استووارت
ملاقات و مشورت میکرد و حتی بوسیله کلنل استووارت با حاجی میرزا آقاسی
ملاقات نمود. ماک‌نیل چند بار بعنوان وساطت و برقراری صلح میان کامران

میرزا و محمدشاه مداخله کرد و هر بار صورت قراردادی به محمدشاه تسلیم نمود ولی نه شاه و نه حاجی میرزا آقاسی حاضر نبودند پس از آن همه معطلی و محاصره هرات دست خالی و بی‌اخذ نتیجه ترك مخاصمه نمایند و تصمیم داشتند لااقل پولی از دولت انگلیس دریافت دارند. ولی ماکنیل چون از یکطرف میدانست محمدشاه دیگر قادر بادامه محاصره و تسخیر هرات نیست و از طرف دیگر حاکم بوشهر نسبت بنمایند بریتانیای کبیر آزرده خاطر بود، از طریق دیپلماسی بدولت ایران فشار وارد می‌آورد و بهیچوجه حاضر نمیشد بدرخواستهای محمدشاه ترتیب اثر دهد.

بالاخره پس از مدت‌ها مذاکره میان محمدشاه و ماکنیل، محمدشاه که از تحریکات سفیر انگلیس در هرات و تقویت و تحریم و ترغیب کامران میرزا از طرف عمال انگلیسی برای پایداری در مقابل لشکریان ایران کاملاً اطلاع داشت، وقعی به پیشنهادات و اقدامات ماکنیل نمی‌نهاد بطوریکه بالاخره سفیر انگلستان بعنوان اعتراض و تهدید در تاریخ ۱۴ ربیع الاول ۱۲۵۴ مطابق ۷ ژوئن ۱۸۳۸ اردوی محمدشاه را ترك گفت و از راه مشهد عازم تهران گردید.

در شاهرود از طرف دولت انگلستان به ماکنیل دستور رسید که وی اعتراض و عدم موافقت دولت خود را با اقدامات دولت ایران جداً بساطلاع محمدشاه و اولیای دولت ایران برساند و بهمین مناسبت سرهنگ استوارت از شاهرود بارودی محمدشاه اعزام شد که به پادشاه ایران پیغام دهد که دولت انگلستان عملیات برضد هرات را بمنزله تهدید هندوستان تلقی کرده و تذکر میدهد که این اقدام مخالف مواد عهدنامه مودتی است که میان دولتین ایران و انگلستان منعقد شده. در همین موقع نماینده دولت انگلستان یادآوری کرد که پنج فروند کشتی انگلیسی بعنوان اعتراض بآبهای خلیج فارس آمده و جزیره خارک نیز از طرف قوای انگلیسی اشغال شده است.

ماکنیل در ضمن از همانجا نامه‌ای بکامران میرزا فرستاد و بوی توصیه کرد که تسلیم نشود تا او بلندن برسد و از اقدامات و زحماتی که تا کنون در این راه متحمل شده نتیجه‌ای بگیرد.

سپاهیان ایران در ۱۷ ربیع‌الاول ۱۲۵۴ عملیات خود را آغاز کردند و حصار هرات را کلوله باران نمودند و پس‌ازشش روز بمباران برج و باروهای شهر بحمله مبادرت کردند و تا کنار خندق رسیدند و بعضی هم از خندق عبور کردند ولی بعزت مقاومت سرسختانه افغانه و آب خندق و تلفات زیاد نتوانستند داخل شهر شوند و در همین حمله که بزرگترین حادثه محاصره ده ماهه هرات می‌باشد سرتیب بروکلی از امیرزادگان مهاجر لهستان که در خدمت نظام ایران بود بقتل رسید.

نقشه حملات را کنت سیمونیچ وزیر مختار روسیه کشیده بود و چون دولت انگلستان از اقدامات و اعمال وزیر مختار روسیه بدربار پطرزبورگ شکایت کرد، وزارت امورخارجه روسیه هم برای نشان دادن اینکه کارهای سیمونیچ بی اجازه دولت مرکزی بوده وی را احضار نمود.

سرهنگ استوارت در ۲۰ جمادی‌الاول ۱۲۵۴ باردوی محمدشاه رسید. قبل از رسیدن وی سپاهیان ایران حمله سخت دیگری در هشتم همان ماه بهرات کرده بودند و نزدیک بود کاهران میرزا تسلیم شود ولی نظر باینکه استوارت محمدشاه را تهدید به جنگ نمود و روس‌ها نیز در سخت‌ترین و حساس‌ترین لحظات از کمک و مداخله و حمایت ایران دست برداشته بودند، محمدشاه ناچار در ۱۸ جمادی‌الثانی مطابق با ۸ سپتامبر ۱۸۳۸ بی‌اخذ نتیجه از محاصره هرات دست برداشت و کلیه تقاضای دولت انگلستان را پذیرفت و باین ترتیب دولت ایران عملاً از تصرف هرات چشم پوشید و انگلیسی‌ها آن شهر را تسخیر و اشغال کرده و شروع بعملیات عمرانی نمودند.

پایان